

کالبد شکافی تحریم ها/آسیب شناسی چشم انداز گزینه تحریم از رویکرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (قسمت دوم و پایانی)

پدید آورنده: مصطفی دلاور پور اقدم، صفحه ۲۶

اشاره:

این مقاله شامل ۳ گفتار و یک نتیجه گیری است که دو گفتار نخست در خصوص نقش و جایگاه تحریم در دیپلماسی امنیتی ایالات متحده و واکاوی اهداف ایالات متحده در قبال تحریم ایران را در شماره پیشین از نظر گذراندید.

در این بخش سومین گفتار را در خصوص پاداستراتژیک ایران در قبال تحریم پی می گیرید:

گفتار سوم: پاداستراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال گزینه تحریم امریکا

۱. آسیب شناسی دورنمای عمق و دامنه تحریم ها و تأثیر آن بر توانمندی های دفاعی امنیتی ج.ا.ایران

واشنگتن در پنج قطعنامه زنجیره ای شورای امنیت ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۸۳۵ خواستار تمکین جمهوری اسلامی ایران به تعلیق غنی سازی اورانیوم (توقف توسعه دانش هسته ای بومی و رشد نرم افزاری جنبش تولید علم)، تصویب پروتکل الحاقی (افزایش قابل توجه بعد، دامنه و حوزه مسئولیت بازرسان آژانس و افزایش احتمال خروج اطلاعات طبقه بندی شده) و تقویت نظارت، کنترل و بازرسی از صنایع موشکی (احتمال خروج اطلاعات محرمانه دستاوردهای موشکی) شده است و با اتهام عدم تمکین جمهوری اسلامی ایران به قطعنامه های لازم الاجرای فصل هفتم منشور ملل متحد یا عدم پاسخ گویی شفاف ایران به بسته پیشنهادی گروه ۵+۱، تلاش می کند دامنه تحریم را در چارچوب سیاست مهار، بازدارندگی و انزواسازی جمهوری اسلامی ایران افزایش دهد.

۲. هم افزایی ساختارهای تقنینی و نهادهای نظامی انتظامی برای تدوین نظام جامع مدیریت بحران دفاعی

«مشکل چالش بحران» سه مرحله پلکانی است که شیوه ها و ابزارهای مقابله با هر کدام متفاوت است. به عنوان مثال، موضوع هسته ای تا قبل از ارجاع به شورای امنیت در فاز

مشکل قرار داشت ولی با صدور قطعنامه ۱۶۹۶ براساس ماده (۴۰) منشور ملل متحد، موضوع هسته ای به یک مقوله چالش زا در سیاست گذاری خارجی و دیپلماسی پارلمانی تبدیل شد و در صورت تداوم رویه شدن صدور قطعنامه های زنجیره ای براساس بند (۴۱) منشور ملل متحد و عدم تبیین پاداستراتژی پدافندی پیشگیرانه کارآمد، عمق و سطح دامنه تحریم ها افزایش یافته و با مختل شدن توازن میان هزینه ها و فرصت های توسعه بومی صنعت هسته ای، موضوع به صورت پلکانی از سطوح چالشی به سطح بحران زا ارتقا می یابد. به همین دلیل یکی از کارویژه های سیاستگذاری خارجی (وزارت امور خارجه)، دیپلماسی پارلمانی (قوه مقننه) و دیپلماسی هسته ای (شورای عالی امنیت ملی) بایستی ایجاد سازوکارهای مناسب برای کنترل هزینه های تحمیلی و توسعه دانش هسته ای بومی با حداقل هزینه باشد که مستلزم تدوین نظام جامع مدیریت بحران و سند دفاع ملی با حداکثر انسجام فکری رویه ای متولیان امر است.

۳. حداکثر انسجام فکری رویه ای در مدیریت کلان دیپلماسی هسته ای

از پیامدهای دیگر چیرگی ملاحظات امنیتی سیاسی بر ملاحظات فنی حقوقی این است که نقش آژانس اتمی و محمد البرادعی به یک نقش حاشیه ای و اجراکننده «مطالعات ادعایی» آمریکا و متحدانش تنزل یافته، در نتیجه جمهوری اسلامی ایران با همکاری های پادمانی صرف با آژانس نمی تواند موضوع هسته ای را از بن بست کنونی خارج کند، بلکه قبل از هر گونه همکاری های پادمانی با آژانس شایسته است با محاسبه هزینه فایده، شناسایی دقیق بازیگران تأثیرگذار، قواعد بازی و همچنین سناریوسازی از رویکرد امنیت ملی به حداکثرسازی انسجام فکری رویه ای برای هم پوشانی اولویت ها، سیاست ها و اهداف راهبردی دیپلماسی پارلمانی (مجلس شورای اسلامی)، سیاست گذاری خارجی (وزارت امور خارجه) و دیپلماسی هسته ای (شورای عالی امنیت ملی) دست یافت.

۴. آسیب شناسی رویه شدن صدور قطعنامه های زنجیره ای از رویکرد امنیت ملی

طبیعی است هر میزان بر دامنه صدور قطعنامه های پلکانی افزوده شود به همان میزان بر دامنه مطالبات افزوده می شود که خود می تواند ضمن کاهش قدرت مانور دیپلماسی هسته ای، حوزه های موضوعی جدیدی را نیز در مذاکرات دیپلماتیک با گروه ۵+۱ ایجاد کند.

۵. انعقاد معاهدات ناظر بر ایجاد منطقه عاری از تسلیحات اتمی

اولین گام «همگرایی منطقه ای» و تحقق همکاری های سازمان یافته بومی در حوزه های مختلف سیاسی، امنیتی و اقتصادی، تلاش برای اعتمادسازی عملی، پلکانی و تضعیف ذهنیت پتانسیل تهدید در

میان بازیگران منطقه ای است.

نظام پادمان NPT یا پروتکل الحاقی، یک نظام کنترلی و نظارتی جهانی است، در حالی که جمهوری اسلامی ایران می تواند پیشنهاد ایجاد نظام های نظارتی زیرسیستمی و منطقه ای را ارائه دهد که از مصادیق آن می توان به «معاهده ۱۹۶۷ تلاتلوکو» یا «معاهده ۱۹۸۵ راروتونگا» اشاره کرد.

۶. کاربست مناسب ظرفیت های پارلمان در مدیریت کلان دیپلماسی هسته ای

توصیه می شود متولیان دیپلماسی پارلمانی در جهت حداکثر بهره گیری از ظرفیت های نظام و مهار آسیب های احتمالی گزینه تحریم، اقدام های زیر را مورد توجه قرار دهند:

تبیین سند راهبردی «دیپلماسی پارلمانی» چهارساله مجلس هشتم در مورد نحوه تعامل با «معاهده منع جامع آزمایشات هسته ای» یا «پروتکل الحاقی»، یکی از پیش نیازهای مدیریت زمان و ارتقای دیپلماسی پارلمانی در فرایند دیپلماسی هسته ای است.

تشکیل کمیته پارلمانی مقابله با آسیب های احتمالی گسترش عمق و دامنه تحریم ها و تأثیر آن بر ردیف های بودجه، ضرایب امنیتی، طرح ها و لوایح مصوب و پیشنهادی مجلس و دولت از جمله طرح تحول اقتصادی.

۷. به چالش کشاندن مشروعیت حقوقی تحریم ها

جلوگیری از رویه شدن تصویب قطعنامه های زنجیره ای، مستلزم بهره وری بهینه از تمام ظرفیت های سیاسی و حقوقی است به عبارتی در به چالش کشاندن مشروعیت گزینه تحریم؛ نقش کارشناسان حقوق بین الملل همردیف کارگزاران سیاسی برجسته می شود. به عنوان مثال بکارگیری وکلای برجسته حقوق بین الملل و آشنا به ساختار، قواعد و عرف حقوقی اتحادیه اروپا نقش مهمی را در به چالش کشاندن مشروعیت برخی از اقدام های کشورهای عضو اتحادیه اروپا در تحریم برخی از شرکت ها و بانک های ایرانی ایفا می کند.

۸. بهره برداری مناسب از گسست های اقتصادی میان آمریکا و متحدانش

یکی از مهم ترین دلایل شکل گیری ائتلافها تضمین حداکثری منافع و امنیت ملی است. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران شایسته است با تمرکز بر حوزه هایی که اختلاف اتحادیه اروپا و آمریکا بر آنها بیشتر است و همچنین افزایش رایزنی با دولتهای اروپایی که خواهان حاکمیت «رویکرد چندجانبه

گرایی» هستند، زمینه های شکل گیری انسجام فکری رویه ای فراتلانتیک میان آمریکا و اتحادیه اروپا در حوزه دیپلماسی تحریم را کمرنگ نماید.

به عنوان مثال تضمین امنیت عرضه انرژی بویژه پس از گسترش تنش های امنیتی میان روسیه با غرب به یکی از دغدغه های بازیگران فرامنطقه ای تبدیل شده است. به همین دلیل گسترش دامنه تحریم ها به بخش انرژی همواره با مخالفت های جدی از سوی اتحادیه اروپا مواجه شده است. انعقاد قراردادهای نفتی میان شرکت ملی نفت ایران، گازپروم روسیه و یا تمایل مجدد توتال فرانسه و اینپکس ژاپن برای سرمایه گذاری در صنعت انرژی ایران مانند توسعه میدان نفتی آزادگان بیانگر حساسیت کشورهای اروپایی در قبال تحریم انرژی است، به عبارتی متولیان امر شایسته است با مانور دیپلماتیک بر حوزه هایی که حساسیت متحدان ایالات متحده بر روی آنها بیشتر است زمینه های کاهش فشار بر سایر حوزه ها را فراهم کنند.

۹. واکاوی نقش و جایگاه مراکز مطالعاتی پیرو گزینه تحریم

در ایالات متحده مراکز پژوهشی نزدیک به ساختار قدرت، نقش مهمی را در جهت گیری کلان سیاست خارجی و امنیتی واشنگتن ایفا می کنند به همین دلیل هر میزان متولیان دیپلماسی هسته ای ج.ا.ایران شناخت کامل تری از پارادایم های حاکم بر مراکز مطالعاتی موافق تحریم در ج.ا.ایران داشته باشند به همان میزان با ضریب خطای کمتری می توانند اقدام های بازدارنده مناسب را عملیاتی نمایند. در این راستا جفری کمپ، ری تاکیه، پاتریک کلاوسون، گری سیک، دیوید کی و کنث ام. پالک برخی از مهم ترین پژوهشگران موافق گزینه تحریم برای مهار ایران هسته ای مقتدر در ترتیبات امنیتی منطقه ای خاورمیانه هستند.

جفری کمپ: وی مطلوب ترین ابزار مهار ایران هسته ای را اتخاذ تحریم چند جانبه می داند که در آن چهار بازیگر روسیه، اتحادیه اروپا، آمریکا و چین حضور داشته باشند؛ زیرا به سرشکن شدن هزینه های مادی و معنوی واشنگتن منجر می شود، بویژه اینکه روسیه تنها کشور عضو باشگاه هسته ای است که در فرایند تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر و ارسال میله های سوخت هسته ای مشارکت داشته و احتمال ارسال سامانه های دفاع هوایی S-۳۰۰ به جمهوری اسلامی ایران همکاری می نماید.

پاتریک کلاوسون: «معاون پژوهشی موءسسه واشنگتن در امور خاور نزدیک»، کارشناسان ارشد فصلنامه خاورمیانه و نویسنده کتاب ارزیابی موفقیت و موقعیت سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران در دوره محمد خاتمی، معتقد است آمریکا همسو با افزایش دامنه تحریم ها بایستی حمایت از جریان های سیاسی داخلی را نیز در اولویت برنامه های سیاسی - امنیتی خود قرار دهد.

کلاوسون مذاکره هسته ای با جمهوری اسلامی ایران را به دلایل زیر مفید نمی داند:

-انعکاس منفی آن در دولت های میانه روی عرب متحد آمریکا در منطقه و مغایرت با اهداف اعلانی آمریکا در طرح خاورمیانه بزرگ،

-ایجاد این تصور در هیئت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران که هرگونه نزدیکی به تولید تسلیحات هسته ای، قدرت مانور و چانه زنی آنان در مذاکرات را افزایش می دهد.

با این وجود کلاوسون معتقد است هرگونه مذاکره مستقیم هسته ای میان واشنگتن و تهران بایستی در چارچوب «توافق همه جانبه» بر چهار موضوع عراق، صلح خاورمیانه، موضوع هسته ای و حقوق بشر متمرکز شود.

پاتریک کلاوسون، تحریم های شورای امنیت را برای توقف برنامه های هسته ای

جمهوری اسلامی ایران ناکارآمد می داند و معتقد به جایگزینی گزینه های امنیتی به جای گزینه های اقتصادی با بهره برداری از دو تاکتیک «انزواسازی» و «مهار و بازدارندگی» است.

گری سیک: مشاور عالی سابق شورای عالی امنیت ملی آمریکا معتقد است مهم ترین راهکار موثر برای مهار فعالیت های هسته ای ایران و توقف فرایند غنی سازی، ایجاد نارضایتی عمومی در داخل از طریق تصویب تحریم های درازمدت، مرحله ای و پلکانی است؛ زیرا تحریم ها و فشارهای شدید و مقطعی باعث تقویت وحدت ملی و بسیج افکار عمومی علیه آمریکا می شود؛ در حالی که تصویب تحریم های هوشمند و مرحله ای می تواند باعث ناکارآمدی دولت، کاهش مشروعیت و محبوبیت پایگاه مردمی آن گردد.

دیوید کی: او معتقد است برای افزایش فشار چندجانبه به جمهوری اسلامی ایران بایستی بدانیم چگونه از اتحادیه اروپا به نفع خود بهره برداری کنیم؛ ولی مشکل این است که آنان خواهان «تحریم چندجانبه» از طریق شورای امنیت می باشند، در حالی که چین و روسیه در بسیاری از مواقع سرعت فرایند تصمیم گیری را کند می کنند، در نتیجه آمریکا بایستی به منظور انزوای موثر ایران، گزینه اعمال تحریم های ائتلافی و هوشمند خارج از چارچوب شورای امنیت را پیگیری کند.

کنث ام پالک: او معتقد است که «پاشنه آشیل» و نقطه ضعف ایران در اقتصاد نهفته است که در حد مطلوب نمی باشد. اولین اثر اقتصادی بر توده مردم این است که می تواند به شورش های داخلی منجر شود؛ بنابراین رژیم ایران تنها با انتخاب یکی از دو گزینه زیر مواجه است:

-از برنامه های اتمی خود منصرف شود و در عوض از «مشوق های اقتصادی» بهره مند گردد،

-به فعالیت های اتمی خود ادامه داده و در عوض آسیب های گسترش عمق و دامنه تحریم های همه جانبه را بپذیرد.

پالک عقیده دارد هنگامی که فشار سیاسی افزایش یابد، جمهوری اسلامی ایران برنامه های غنی سازی را متوقف می نماید. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۳ هنگامی که بازرسان آژانس اتمی اولین گزارش منفی خود را ارائه دادند و اروپا تهدید به تحریم اقتصادی کرد، ما شاهد پذیرش پروتکل الحاقی از طرف ایران بودیم که بیانگر حساسیت و آسیب پذیری این کشور به تحریم اقتصادی است.

۱۰. آسیب شناسی چشم انداز عمق و دامنه تحریم ها و تأثیر آن بر اولویت های دیپلماسی دفاعی

تحقق اهداف راهبردی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، ارتباط مستقیمی به توسعه قابلیت های فنی حرفه ای نیروهای مسلح دارد و گسترش احتمالی عمق و دامنه تحریم های نظامی تحقیقاتی می تواند موانعی را برای ارتقاء شاخصه های دفاع ملی ایجاد کند، بویژه اینکه به دلیل انعکاس تصاویر مجازی و افزایش حجم عملیات روانی رسانه ای غرب علیه دانش هسته ای و صنعت موشکی جمهوری اسلامی ایران؛ احتمال گسترش تحریم های نظامی علیه برخی ساختارها، شرکت ها و افراد وابسته به وزارت دفاع و سپاه پاسداران وجود دارد.

از مصادیق تحریم های نظامی یکجانبه ایالات متحده می توان به تحریم مجموعه صنایع شهید ستاری، صنایع شیمی پارچین، هفت تیر، گروه صنایع مهمات و متالوژی، سازمان صنایع هوا فضا، گروه صنعتی شهید باقری و گروه صنعتی شهید همت را نام برد که به اتهام «تحقیقات نظامی هسته ای» تحریم هایی علیه آنان و شرکت هایی که با آنها فعالیت های تجاری دارند، اعمال شده است.

همچنین برای اولین بار، ایالات متحده با ایجاد یک رویه جدید توانست مطالعات ادعایی خود پیرامون صنعت موشکی و موءسسات تحقیقاتی وابسته به وزارت دفاع و سپاه پاسداران را در متن گزارش ۲۲ فوریه ۲۰۰۸ مدیرکل آژانس (بند ۳۵ تا ۴۲) با عنوان «مطالعات ادعایی تسلیحاتی شدن» بگنجانند، به عبارتی بررسی گزارش های مدیرکل آژانس بیانگر تلاش غرب برای ارتباط دهی میان دانش هسته ای و نهادهای نظامی است که در صورت عدم سازماندهی اقدام های بازدارنده مناسب، نه تنها بازدارندگی بومی را کاهش می دهد بلکه می تواند زمینه های خروج احتمالی برخی «اطلاعات و اسناد طبقه بندی شده نظامی» را فراهم کند.

جمع بندی و نتیجه گیری

باراک اوباما که تا پیش از انتخابات ریاست جمهوری عضو کمیته روابط خارجی مجلس سنا بود در برنامه ریزی های خود توسعه «همکاری های امنیتی فرآتلانتیک»، تقویت

رژیم نظارتی معاهدات خلع سلاح، گفتگو با ایران و دولت های چپ گرای امریکای لاتین، تسهیل قوانین مهاجرت، تقویت «چندجانبه گرایی» و توسعه روابط هسته ای با هند و پاکستان را در دستور کار قرار داده است .

در موضوع مقابله با ایران هسته ای ، یک نوع انسجام فکری بین دموکرات ها و جمهوریخواهان وجود دارد ولی پیرامون نحوه مقابله با ایران هسته ای بین آنها اختلاف رویه وجود دارد، بطوریکه تغییر دولت بوش از مذاکرات مشروط پس از «راستی آزمایی» توقف غنی سازی توسط «معاونت پادمان آژانس» حمایت می کرد ولی دولت اوباما خواستار توقف غنی سازی در جریان مذاکرات بدون پیش شرط است، به عبارتی تغییر دولت در آمریکا هیچگونه تأثیری در خواسته غیرقانونی ایالات متحده ایجاد نمی کند و با توجه به سیاست قاطع ایران در حوزه تداوم غنی سازی اورانیوم، این سناریو بسیار محتمل است که «سیاست چماق و هویج» همچنان به عنوان رویکرد دولت جدید پیگیری شده و حتی بر عمق و دامنه گزینه تحریم در قالب بند ۴۱ منشور ملل متحد، تحریم های فرآتلانتیک و یا یکجانبه افزوده و برعکس حداقل تا کوتاه مدت از لفاظی های واشنگتن مبنی بر احتمال حمله نظامی غافلگیرانه به تأسیسات هسته ای و مراکز نظامی کاسته شود، به عبارتی سیاست تغییر رفتار و تضعیف نظام از طریق تهدیدات نرم (دکترین براندازی نرم) و نیمه سخت (تحریم ها) بر رویکرد تغییر رژیم از طریق تهدیدات سخت افزایی چیره می شود؛ با این وجود دولت اوباما از کاهش تنش میان ایران و آمریکا در قالب «بسته پیشنهادی» حمایت می کند که در آن بسته موضوع هایی مانند مشارکت ایران در ترتیبات امنیتی خاورمیانه، موضوع هسته ای، فرآیند صلح خاورمیانه، امنیت انرژی، حذف تحریم ها و تسهیل سرمایه گذاری شرکت های خارجی قرار دارد.

دولت اوباما به منظور افزایش ضریب اثرگذاری «راهبرد مهار و بازدارندگی» جمهوری اسلامی ایران، تلاش می کند از نفوذ قدرت های فرامنطقه ای مانند روسیه نیز استفاده نماید و یک سناریوی محتمل این است که دولت جدید به منظور مدیریت تحولات جهانی، بخشی از تنش های منطقه ای و جهانی خود با روسیه را کاهش دهد زیرا واشنگتن برای حل و فصل مسایلی مانند موضوع هسته ای ایران و کره شمالی، مهار قابلیت های آفندی و پدافندی موشکی جمهوری اسلامی ایران، فرآیند صلح خاورمیانه، امنیت انرژی و مقابله با جنایات سازمان یافته به همکاری مسکو نیازمند است، بطوریکه توسعه روابط و کاهش تنش میان روسیه و دولت جدید آمریکا می تواند به همراهی بیشتر واشنگتن و مسکو در قبال

موضوع هسته ای ایران منجر شود و تا حدودی راهبرد برخی کارگزاران نظام برای اختلاف افکنی میان جبهه شرق و غرب را ناکارآمد سازد.

آنچه مسلم است گسترش عمق و دامنه تحریم ها می تواند به حاکمیت بازی با حاصل جمع جبری منفی (بازی باخت - باخت) منجر شود، یعنی همانطور که می تواند کاستی هایی را برای توسعه پایدار کشور مورد تحریم تحمیل نماید، به صورت متقابل هزینه هایی را نیز به کشور تحریم کننده وارد می کند که از مصادیق آن می توان به انصراف امریکا از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران برای ترانزیت انرژی به اروپا و پافشاری بر انتقال انرژی از خط لوله باکو- تفلیس- جیحان اشاره کرد که هزینه های دستیابی به انرژی مطمئن و پایدار برای اتحادیه اروپا را به شدت افزایش داده است.

برخی دیگر از محورهای پاداستراتژی راهبردی جمهوری اسلامی ایران برای مهار آسیب های احتمالی گزینه تحریم عبارتند از:

مدیریت مطلوب صندوق توسعه ملی (صندوق ذخیره ارزی) و هزینه شدن منابع ارزی در طرح های زیربنایی و استراتژیک به جای واردات کالاهای مصرفی با هدف حداکثرسازی بهره وری بهینه از ذخایر پولی با هدف مقابله با آسیب های گسترش احتمالی تحریم های تجاری، کاهش منابع ارزی؛

تقویت سایر دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به هوشمندسازی جامعه برای مقابله با جنگ رسانه ای امریکا مبنی بر تعمیق دامنه تحریم ها و حداقل سازی تبعات ایجاد جو روانی در مدیریت کلان کشور؛

لحاظ کردن دورنمای گسترش عمق و دامنه تحریم ها در تدوین و تصویب بودجه های سنواتی با توجه به احتمال گسترش تحریم انرژی (محدودیت و یا ممنوعیت صادرات نفت و گاز ایران) و آسیب پذیری اقتصاد کلان کشور با توجه به حاکمیت نسبی صادرات تک محصولی در موازنه بازرگانی جمهوری اسلامی ایران؛

واکاوی آسیب های قطع واردات بنزین از رویکرد امنیت ملی و هوشیاری و امکان سنجی متولیان امر نسبت به وقوع برخی ناامنی های اجتماعی مانند تنش های صنفی.